

آینة

ایران

سرمقاله: «پیش‌شرط‌های یک دیدار تاریخی»؛ جمشید رضایی

با قطعی‌شدن سفر دکتر روحانی به نیویورک برای شرکت در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد، ارزیابی‌های رسانه‌ای درباره این سفر و وقایع احتمالی نیویورک سرعت گرفته است. در این میان دو موضوع نظر اغلب ناظران را به خود جلب کرده است: تأثیر سفر دکترروحانی به نیویورک بر مذاکرات هسته‌ای و دوم میزان احتمال دیدار رییس‌بان جمهوری ایران و آمریکا.اگر چنین دیداری ولو به‌صورت حاشیه‌ای و غیررسمی هم بر گزار شود، نخستین دیدار رییس‌بان جمهوری ایران و آمریکا در بیش از سده‌ه اخیر محسوب می‌شود. صرف فضا سازی رسانه‌ای برای انجام دیدار روسای‌جمهوری دو کشور کافی نیست و آمریکایی‌ها باید گام‌های عملی بردارند؛ گام‌هایی که نشان‌دهنده حسن‌نیت رفتار آمریکایی‌ها باشند. حال آنکه نه‌تنها نشانه‌های قوی در این زمینه دیده نمی‌شود بلکه آنها صداقت کمتری از خود نشان داده‌اند و حتی تحریم‌های جدیدی هم طی یکسال اخیر علیه ایران افزوده‌اند.

وقت امروز

گفت‌وگو / مهدی محمدی: از دل مذاکرات فعلی لغو جدی تحریم درنی‌اید

الان محاسبه آمریکا این است که تحریم عامل پیش‌برنده مذاکرات است و این محاسبه با رفتار دولت تقویت شده است.
وقفا اگر دولت می‌خواهد از آمریکا را وادار به لغو جدی تحریم کند باید استغنائی خود از تحریم را در اداره معیشت مردم نشان دهد. آنچه تا امروز رخ داده عکس این موضوع بوده است.
آمریکایی‌ها اگر حس کنند تحریم در تغییر محاسبات ایران در موضوع هسته‌ای کارآمد بوده، چرا نباید آن را به سایر حوزه‌ها بسط دهند؟ در نتیجه، جمع‌بندی من این است که حتی اگر در توافق جامع لغو تحریم وای کانف انجام شود، در عمل این موضوع کملا قطره‌چکائی خواهد بود.
آمریکایی‌ها به تحریم به‌عنوان ابزاری برای کنترل ایران در منطقه آن‌هم در شرایطی نگاه می‌کنند که قدرتشان رو به افول است و ابزار دیگری ندارند. من فکر می‌کنم حدی از تعدیل تحریم‌ها در صورت حصول توافق نهایی رخ خواهد داد ولی لغو کامل تحریم مطلقا خیر. البته اگر دوستانان طور دیگری مذاکره می‌کردند، اگر به آمریکا ثابت می‌کردند ایران اضطراری برای لغو تحریم ندارد، اگر به اقدامات و اظهارات آمریکایی‌ها پاسخ متناسب می‌دادند و مهم‌تر از همه اگر در توافق ژنو امتیازهای اصلی را در ازای تقریبا هیچ واگذار نمی‌کردند، وضع فرق می‌کرد.

کیم‌جان

سرمقاله: «برگ برنده دست‌ماست»؛ حسین شهبان

افول ستاره آمریکا. برای آنها که اهل انصاف باشند پوشیده و پنهان نیست و نیز پیشرفت‌های شگفت‌انگیز کشور در حوزه‌های گوناگون، یابودشدیدترین تحریم‌های تاریخی، نشان از آن دارد که ماجرا کملا برعکس است و اولا انقلاب اسلامی سال‌هاست از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و راه خود را در میان مردم مسلمان و مستضعف باز کرده و برای آنها به الگویی برای زست و زندگی در دنیای پر تزویر امروز بدل‌شده و ثلثیا احیاء و بقای آمریکا در منطقه به‌شدت نیازمند نظر موانع و چراغ‌سبز ایران اسلامی است و آنها بدون جلب نظر ما، کم‌ترین جای پایی در منطقه نخواهند داشت.
گرچه ظاهر به چیز دیگری کنند، از این‌رو، باید دانست که مساله اصلی اقتدار و توانمندی ایران اسلامی است و در هر مذاکره‌ای باید از این موضع سخن گفت و بر آن پای‌فشرد و اگر بیشتر و مقتدرتر از شهید رجایی در آن روزگار غایت و تنهایی و نوابودن انقلاب سخن نمی‌گویم، لافلا فل‌درای از آن جایگاه کوتاه ناییم.

جم‌وی اسلامی

سرمقاله: «محاكمه آقای دبیر كل»

دكتر طریفـه در مورد وضعیت حقوق‌بشر در ایرانـ اظهار داشتـ: «اینكه در منطقه ما فقط در مورد كشور ایران گزارش منتشر می‌شود قابل پذیرش نیست و تهیه چنین گزارش‌هایی ندادم نگاه سیاسی و دوگانه به مسائل حقوق بشر است.» این موضع‌گیری صریح و شفاف وزیر امور خارجه كشورمان را باید نوعی به محاكمه‌كشیدن دبیر كل سازمان‌ملل به‌خاطر تخلف آشكار وی از وظایف قانونی تعریف‌شده برای مسؤول بالاترین سازمان بین‌المللی دانست، واقعیت اینست كه ورود آقای بان‌كی مون به مقوله حقوق‌بشر و موضع‌گیری علیه‌جمهوری اسلامی‌ایران در آستانه‌هر گزاری مجمع عمومی سازمان‌ملل و بر برگزاری مذاكرات حساس هسته‌ای میان ایران و اعضای گروه ۵+۱ اقدایی حساب‌شده مبتنی بر سیاسی‌كاری بود.

ایران

یادداشت: «اتلافی برای جابه‌جایی یک تابلو»؛ عبدالله گنجی

اكنون غرب به‌دنبال آن است كه با تابلو داعش مبارزه كند اما در عین حال معتقد به تقویت جبهه معارضان سوری است. در ماه‌های اولیه بحران سوریه تشكلی به نام ارتش آزاد به وجود آمد اما ضعف عملکرد آن باعث شد داعش را به‌وجود آوردن تا به سرنگونی دولت سوریه سرعت عمل بخشدیه شود. توقیفات داعش باعث شد تا ارتش آزاد با ریزش نیرو مواجه شود و اعضای آن كم‌كم با داعش بیعت كنند. اكنون نوبت وارونه‌سازی این روند است. بدون تردید آنچه غرب در سوریه می‌خواهد انجام دهد اجماع و ظرفیت‌افزایی در جبهه معارضان است. مبارزه با تلبلیو داعش برای مشروعیت‌بخشی به این كار است. اكنون هواپیمای غرب آمده می‌شوند تا هرآنچه مقابل ارتش آزاد و النصره است، بمباران نمایند. در این میان هدف اساسی سرنگونی دولت سوریه است اما افكار عمومی جهان رواله مبارزه با داعش شده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام‌عظم‌رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام‌عظم‌رهبری در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاست‌های کلی علم و فناوری را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت‌نظام تعیین شده است، ابلاغ کردند. متن سیاست‌های کلی علم و فناوری که به روسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت‌نظام ابلاغ شده، به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

۱- جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:

۱-۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه‌پردازی.

۱-۲- ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

۱-۳- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.

۱-۴- تحول و ارتقاء علوم انسانی به‌ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و باانگیزه، اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۱-۵- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ویژه

۲- بهینه‌سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی با تأکید بر:

۲-۱- مدیریت دانش و پژوهش و انسجام بخشی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء مستمر شاخص‌ها و روزآمدسازی نقشه جامع علمی کشور با توجه به تحولات علمی و فنی در منطقه و جهان.

۲-۲- اصلاح نظام پذیرش دانشجو و توجه ویژه به استعداد و علاقه‌مندی دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی و افزایش ورود دانشجویان به دوره‌های تحصیلات تکمیلی.

۲-۳- ساماندهی و تقویت نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی در حوزه‌های علم و فناوری.

۲-۴- ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.

۲-۵- حمایت از تاسیس و توسعه شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری.

۲-۶- توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور.

۲-۷- شناسایی نخبگان، پرورش استعدادهای درخشان و حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی.

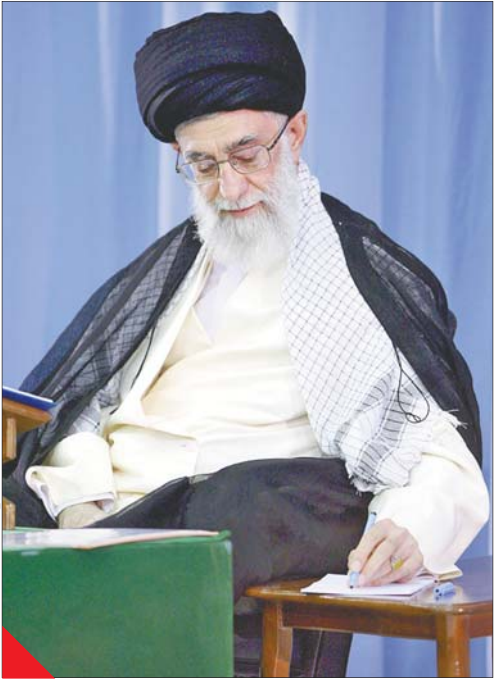
۲-۸- افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ با تأکید بر مصرف بهینه منابع و ارتقاء بهره‌وری.

۳- حاکمیت مبانی، ارزش‌ها، اخلاق و موازین اسلامی در نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری و تحقق دانشگاه اسلامی با تأکید بر:

شرق: وزارت اطلاعات «هفت‌خط» بود. این تعبیری است

که وزیر پیشین در توصیف گذشته این وزارتخانه به کار برده است. محمد محمدی‌ری‌شهری در گفت‌وگو با «فارس» گفت: « به حضرت امام(ره) عرض کردم و گفتم در حال حاضر اطلاعات «هفت خط» است. یک خط از سپاه می‌آید که آن هم خودش دو خط است. یک خط از نخست‌وزیری، یک خط از کمیته، یک خط از کجا... تعبیر من این بود که این تشکیلات در حال حاضر «هفت‌خط» است و اگر ما به یکی از این خط‌ها بیندم، بقیه مخالف می‌کنند» به گفته ری‌شهری به توصیه او بوده است که امام حضور جناح‌ها و احزاب سیاسی را در وزارت اطلاعات تحریم کرد: «به حضرت امام(ره) پیشنهاد کردم که ایشان توصیه بفرمایند کارمندان این وزارتخانه وارد جناح‌های سیاسی نشوند.» اگرچه او معتقد است این مسیر به‌ویژه در جریان قتل‌های زنجیره‌ای ادامه پیدا نکرد: «آن دامنه که ما گذاشته بودیم ادامه پیدا نکرد. دوست داشتم این بنا ادامه پیدا کند. مبنای آن حرکت، این بود که ما با مطلق‌گرایی مخالف بودیم. مطلق‌گرایی خلاف اسلام است و ما می‌خواستیم یک جریان

سیاست



عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام عظم‌رهبری

مقام‌عظم‌رهبری ابلاغ کردند

سیاست‌های کلی «علم و فناوری»

۳-۱- اهتمام به نظام تعلیم و تربیت اسلامی و اصل پرورش در کنار آموزش و پژوهش و ارتقاء سلامت روحی و معنوی دانش‌پژوهان و آگاهی‌ها و نشاط سیاسی آنان.

۳-۲- تربیت استادی و دانشجویان مومن به اسلام، برخوردار از مکارم اخلاقی، عامل به احکام اسلامی، متعهد به انقلاب اسلامی و علاقمند به اعتلای کشور.

۳-۳- حفظ موازین اسلامی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در استفاده از علم و فناوری.

۴- تقویت عزم ملی و افزایش درک اجتماعی نسبت به اهمیت توسعه علم و فناوری؛

۴-۱- تقویت و گسترش گفتمان تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در کشور.

۴-۲- ارتقاء روحیه نشاط، امید، خودباوری، نوآوری نظام‌مند، شجاعت علمی و کار جمعی و وجدان‌کاری.

۴-۳- تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار

دانش‌بینان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی.
۴-۴- ارتقاء منزلت و بهبود معیشت استادان، محققان و دانش‌پژوهان و اشتغال دانش‌آموختگان.

۴-۵- احیاء تاریخ علمی و فرهنگی مسلمانان و ایران و الگوسازی از مفاخر و چهره‌های موفق عرصه علم و فناوری.

۴-۶- گسترش حمایت‌های هفتمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران و فعالیت‌های عرصه علم و فناوری.

۵- ایجاد تحول در ارتباط میان نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با سایر بخش‌ها با تأکید بر:

۵-۱- افزایش سهم علم و فناوری در اقتصاد و درآمد ملی، ازدیاد توان ملی و ارتقاء کارآمدی.

۵-۲- حمایت مادی و معنوی از فرآیند تبدیل ایده به محصول و افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته و فناوری داخلی در تولید ناخالص داخلی با هدف دستیابی به سهم ۱۰ درصد.

۵-۳- تحکیم و تعمیق پیوند حوزه و دانشگاه و تقویت همکاری‌های مستمر راهبردی.

۵-۴- تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.

۵-۵- تعیین اولویت‌ها در آموزش و پژوهش با توجه به مزیت‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای کشور و الزامات نیل به جایگاه اول علمی و فناوری در منطقه.
۵-۶- حمایت از مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط.

۵-۷- افزایش نقش و مشارکت بخش‌های غیردولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء سهم وقف و امور خیریه در این حوزه.

۵-۸- توسعه و تقویت شبکه‌های ارتباطات ملی و فراملی میان دانشگاه‌ها، مراکز علمی، دانشمندان و پژوهشگران و بنگاه‌های توسعه فناوری و نوآوری داخلی و خارجی و گسترش همکاری‌ها در سطوح دولتی و نهادهای مردمی با اولویت کشورهای اسلامی.

۶- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور، با تأکید بر:

۶-۱- توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به‌ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور.

۶-۲- اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.

۶-۳- استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی حسب نیاز.

۶-۴- تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی و جذب نتایج پژوهش‌های محققان، نخبگان علمی و نوآوران سایر کشورها به‌ویژه جهان اسلام.

از آن، جریان را به آقایی منتظری هم گفتم اما ایشان مطالب را به خود آن جریان (مهدی هاشمی) انتقال دادند. در مرحله بعد، وزارت اطلاعات در قسمت ضدجاسوسی به خانه تیمی آنها رسید و پورهای سرطان‌زا و اسلحه‌ها و امکالتی که در آنجا بود، کشف شد. امام (ره) از این مرحله به صورت جدی وارد ماجرا شدند»

او افزود: «طیفی از نمایندگان در آن دوره به این نتیجه رسیدند که پرورنده سیمه‌دیی هاشمی در مجلس مطرح شد اما من دیدم این پرورنده شامل یکسری اسامی است که متهم هستند اما اتهام آن‌ها اثبات نشده. لذا مخالفت کردم. آنها هم وقتی دیدند زورشان به ما نمی‌رسد و ما پرورنده را به مجلس نمی‌دهیم، مصوبه‌ای را تصویب کردند که پرورنده به مجلس فرستاده شود. من نامه‌ای خدمت حضرت امام (ره) نوشتم که مجلس چنین مصوبه‌ای دارد و پرورنده را از ما خواسته‌اند اما در پرورنده اسامی مهم‌هایی ذکر شده که اتهام آنها به اثبات نرسیده و رفتن این پرورنده به مجلس، آبروی آنها را می‌برد. حضرت امام (ره) پاسخ دادند: فرستادن این پرورنده به مجلس، خلاف شرع و قانون اساسی است.»

نگاه پیرون

پیشنهاد ائتلاف گازی روسی – ایرانی

iran.ru

Production of Polypropylene in Iran

ولادیمیر پیفیوموف

آمریکایی‌هاست، استفاده شد. در حقیقت امر، مقر مجمع در دوحه توسط آمریکایی‌ها اداره می‌شود. به همین علت طی قریب به شش سال موجودیت مجمع، برنامه‌های تبدیل کردن آن به کارتل موثر بین‌المللی شبیه به اوپک که بتواند در مکانیسم قیمت‌گذاری در بازار گاز طبیعی نفوذ قابل توجهی کند (که این اندیشه از حمایت ایران، روسیه، ونزوئلا و الجزایر برخوردار شده و توسط آن طرح می‌شد)، روی کاغذ باقی مانده و حتی مورد بررسی قرار نگرفت. اگر سخنان ولادیمیر پوتین و شرکت‌کنندگان دیگر در مجمع مسکو مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، معلوم خواهد شد که سه اندیشه کلیدی اجرا نشده‌اند که کشورهای عضو در اکتبر سال ۲۰۰۸ در جریان ملاقات تهران درباره آنها به توافق رسیدند. در آن ملاقات، روسیه، ایران و قطر موافقتنامه سه‌جانبه‌ای درباره همکاری در زمینه گاز به امضا رسانده بودند. این در ملاقات خود ضرورت انجام سه کار مهم را اعلام کردند:

- ریزنی‌های هر سهم یکبار برای بررسی توسعه بازار گاز - تشکیل کمیته عالی فنی برای طراحی راه‌های اجرای طرح‌های مشخص در تسمان زنجیره تولیدی، از عملیات اکتشافی و استخراج گاز تا انتقال و بازاریابی آن - تشکیل باشگاه بین‌المللی کارشناسان و روزنامه‌نگاران تحت‌عنوان «فصلب انرژی» به‌عنوان یک نوع وسیله پیشبرد منافع مجمع صادرکنندگان گاز و اروپایی‌ها (بزرگ، روسیه)، قطر، ایران) در میدان اطلاعاتی بین‌المللی روز اول جولای سال ۲۰۱۳ در جریان اجلاس دوم سران مجمع، همین موضوع ولی با عبارات دیگر بیان شد. همین امر حاکی از آن است که مجمع کشورهای صادرکننده گاز نتوانست توان بالقوه خود را عملی کند و بنابراین در حال

ادامه از صفحه اول

خصوصی‌سازی آموزش و پرورش

این پیشنهادها باید شفاف و دارای جاذبه اقتصادی باشند. سرمایه‌گذاری با کار خیره به بذل و بخشش متفلوت است. معنای ساده خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش این است که افراد با شرکت‌هایی در داخل و خارج کشور بعد از اطلاع از پیشنهادهای وزارت آموزش و پرورش، به سرمایه‌گذاری علاقمند شوند و اگر آن را اسودمند یافتند سرمایه‌گذار مفروض در نقطه‌ای از کشور با پول خودش زمینی بخرد و روی آن زمین با سرمایه شخصی یا با استفاده از اعتبارات بانکی یک یا چند مدرسه بسازد، برای اداره مدارس خود برنامه‌ریزی کند، نیروی انسانی مدرسه یعنی مدیر و مربی و معلم را انتخاب و استخدام کند، برنامه و مشخصات مدرسه را از طریق آگهی به اطلاع مردم برساند و دانش‌آموزان علاقمند را ثبت‌نام دهد. مدرسه خصوصی از طریق برنامه‌های ابتکاری خود با مدارس دولتی و غیردولتی دیگر برای جلب مشتری و سود بیشتر وارد رقابت می‌شود. دولت به‌نفع مردم از شکل‌گیری انحصار جلوگیری و رقابت واقعی بین مدارس را برقرار می‌کند. وظیفه حاکمیتی دولت، نظارت بر کار مدرسه است و نباید اجازه دهد که سرمایه‌گذار سر مردم کلاه بگذارد و تابلو خود چیزهایی را وعده دهد و در عمل اجرا نکند. اگر بنا باشد همه برنامه‌های مدرسه را دولت تعیین کند و معلم و مدیر مدرسه از اداره گزینش تأیید صلاحیت بگیرند... و انکار و خلاقیت بی‌معنا می‌شود و سرمایه‌گذار وارد گرد نمی‌شود. ورود بخش خصوصی یعنی قبول تنوع واقعی در مدارس بر اساس مشتری‌محوری، سود، رقابت، اختیار، امنیت و خلاقیت عناصر مشترک سرمایه‌گذاری در رشته‌های مختلف است. آموزش و پرورش در این یکسال به اسم خصوصی‌سازی کارهای زیر را انجام داده یا قرار است انجام دهد:
۱- بازگذاشتن دست مدیران مدارس دولتی که با مجوز انجمن مدرسه و تحت‌عنوان مشارکت مردمی، از اولیای دانش‌آموزان هرچقدر که زورشان رسید پول بگیرند؛ واضح است که این کار بطبی به خصوصی‌سازی ندارد.
۲- واگذاری اداره مدارس به قیمت تمام‌شده به مدیران که قرار است اسسال در نیم‌رصد مدارس اجرا شوند؛ این کار به جهت کاهش تصدی‌گری قوایدی دارد اما اولاً رطبی به خصوصی‌سازی ندارد ثانیاً در اسئل بزرگ منجر به ایجاد بحران در اشتغال نیروی انسانی وزارت‌تعلیم می‌شود.
۳- ثبت‌نام دانش‌آموزان مدارس دولتی برتر، که در مدارس غیرتعالیمی کم‌مشتری و پرداخت شهریه به آنها از طریق وزارت‌تعلخه، در این طرح دولت پول می‌پردازد و خبری از سرمایه بخش خصوصی نیست.
۴- معرفی مدیران غیرتعالیمی به بانک‌های دولتی برای اخذ وام کم‌بهره که بازهم دولت باید پول بدهد.
۵- تبدیل کاربری برخی مدارس در مناطق قدیمی شهرها به تجاری و فروش آنها به قیمت روز؛ از فروش مدارس پولی عاید می‌شود اما علاوه‌بر بدنامی دولت، در درازمدت زبان این کار بیش از منفعت آن است و حتی ممکن است قابل جبران نباشد... با توجه به اینکه سیستم نظارتی قوی و هوشمند در وزارت‌تعلخه وجود ندارد اجرای این برنلمه‌ها در مجموع، پولی عاید آموزش و پرورش نخواهد کرد و برعکس برنامه‌ها را افزایش می‌دهد. از همه بدتر اینکه این برنامه‌ها منجر به ایجاد رانت و احتمالاً فساد می‌شود و مدیران لاری با اشراف به مقررات و روابط شخصی از این برنامه‌ها حاکتر سود را می‌برند. اما مهم‌ترین برنامه وزارت آموزش و پرورش واگذاری مدارس دولتی به حوزه‌های علمیه، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی، مساجد و نهادهای متان سازمان تبلیغات و برخی نهادهای نظامی است. این نوع واگذاری هیچ نسبتی با مشارکت و خصوصی‌سازی ندارد و چوب‌چارچند به دارایی‌های این وزارت‌تعلخه است. آموزش و پرورش دو نوع دارایی دارد:
۱- حدود صد هزار ساختمان مدرسه در شهر و روستا که مهم‌ترین دارایی مادی دولت در بخش آموزش و پرورش است.
۲- بیش از یکمیلیون پرسنل وزارت‌تعلخه که دارایی معنوی آموزش و پرورش است، اما در سال حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه‌ها دارند. آموزش و پرورش کالای سرمایه‌ای خود یعنی زمین و ساختمان را مستخوآتمندانه سه این‌ و آن واگذار می‌کند یا می‌فروشد اما پرسنل وزارت‌تعلخه که بخش هزینه‌بر است، دست‌نخورده باقی می‌ماند. اگر این روند ادامه پیدا کند بعید نیست که در آینده هزینه اداره مدرسه هم روی دوش دولت بیفتد. باید از وزیر آموزش و پرورش سوال کنیم که خصوصی‌سازی یعنی چه؟

این همه هشدار برای ۴درصد؟

به عبارتی کاهش بارندگی با افزایش تقاضا همراه شد و به بحران آب در شکل کنونی دامن زد. در حال حاضر وضعیت آب سدهای تهران نگران‌کننده است. ذخیره چهار سدی که به تهران آب می‌رسانند تنها ۳۴۹ میلیون مترمکعب است و از این میزان هم تنها ۱۷۲ میلیون مترمکعب آن به‌عنوان ظرفیت مفید قابل استفاده است. از بین این چهار سد، وضعیت دوسه لا و لتیان از همه بحرانی‌تر است و این دو در مجموع تنها ۴۶ میلیون مترمکعب آب دارند. در تشریح وضعیت کنونی و ضرورت کاهش مصرف شاید توجه به یک آمار کافی باشد و آن اینکه حجم مفید سدهای تهران تقریباً نسبت به سال ۹۱ نزدیک به ۸۰ درصد کاهش داشته است. در این میان هشدارهای متعددی به مصرف‌کنندگان داده‌ام و بارها بر ضرورت کاهش مصرف تأکید کرده‌ام. اما حاصل این‌همه، کاهش سه تا چهار درصدی مصرف بوده است. در ایران سرتانه مصرف آب بسیار بالاست. هر فرد به‌طور میانگین ۲۲۰ لیتر آب در شبانه‌روز مصرف می‌کند متوسط سرتانه مصرف کشورها برای آب در جهان، زیر ۱۵۰ لیتر است. سرتانه قابل توجه هم این است که ما کالاهای باید با کاهش مصرف، از این شرایط سخت عبور کنیم. اما کاهش مصرف ما نباید کاهش مقطعی باشد. حل مشکل آب نیازمند تغییر الگوی مصرف است. در این‌سب میان تغییر قیمت آب و اصلاح آن می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. کاهش مصرف برق بارها اعلام شد اما امتیاز زمانی کم‌بهره کم‌بهره در خانه‌ها استفاده شد که قیمت برق افزایش یافت. احتمالاً راحل این مشکل هم افزایش قیمت آب است، حتی اگر امسال هم از بحران آبی عبور کنیم باز در سال‌های آتی به مخفی‌آنکه میزان بارندگی از ۲۵۰ میلیمتر کمتر شود باید خود را آماده بحرانی جدید کنیم، پس چه بهتر که مصرف‌اصلاح شود.
«علاوه‌همنهسی شرکت آبفوقالاب استان تهران